



نظر آیت‌الله العظمی محقق کابل در مورد مستحقین خمس



□ علی دوست سبحانی

چکیده

خمس یکی از مالیات‌های اسلامی است که دچار تحولات زیادی شده است به قسمی که در جامعه شیعه در اثر برداشت‌های فقهی از آیه خمس، مشهور فقهای شیعه، نصف خمس را اختصاص به طایفه خاصی داده است و آن کسانی است که نسب‌شان به هاشم جد پیامبر برسد. با این رویکرد فقهی، اثری که مورد انتظار بود و از این مالیات اسلامی می‌رفت و آن ایجاد تغییر مثبت در وضع نیازمندان بود، از بین رفت؛ اما در دهه‌های اخیر، استوانه‌های فقاقت از جمله آیت‌الله محقق کابلی با تحقیقاتی که انجام داد، به این نتیجه رسید که نظر مشهور فقهاء غیر از روایات مرسل هیچ دلیل معتبر ندارد، در مقابل روایاتی زیادی که در بین آنان روایات صحیح‌السند وجود دارد، می‌گویند که خمس تماماً مال منصب امامت است و مواردی که گمان شده است اختصاص به آن موارد دارد، جزء موارد مصرف خمس است. همچنین سیره پیامبر و امامان بر این مطلب دلالت دارد به علاوه دلیل عقلی که اختصاص دادن این مقدار سرمایه‌ی کثیر برای یک طایفه را خلاف حکمت می‌داند.

مقدمه

هر دین ساختار متناسب خود را در بخش های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی و اخلاقی می طلبد. ساختار با توجه به اهداف آن دین و طرز نگاهش به انسان و جامعه شکل می گیرد، آنچه که در دین اسلام و قرائت شیعی به عنوان اصل، برجسته است، رعایت اصل عدالت است. رعایت اصل عدالت در نظام های سیاسی، اجتماعی، تربیتی و اقتصادی، نشانگر اسلامی بودن آن نظام است. در قرآن کریم یکی از اهداف پیامبران برپایی قسط و عدل بیان شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ» (سوره حدید آیه ۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منفعی برای مردم است.

یکی از نظام هایی که باید در آن عدالت وجود داشته باشد، نظام اقتصادی اسلام است. رعایت عدالت در نظام اقتصادی اسلام در برخورداری و توزیع ثروت یک اصل اساسی است و تأمین عدالت اجتماعی در بخش اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است و برای اجرایی شدن عدالت، نیاز به ابزار مالی مستمر و قانون مند است که اگر مورد عمل قرار گیرد نتیجه مطلوب را به بار خواهد آورد. البته عمل به قوانین در صورتی نتیجه مثبت به بار می آورد که این قوانین از سوی مفسرین آگاه مطابق شرایط زمان مورد تفسیر قرار بگیرد، یکی از مالیات اسلامی که برای تأمین عدالت اجتماعی و دست گیری نیازمندان نقش اساسی دارد، خمس است و آن این که مسلمانان یک پنجم از اموال شان را البته مطابق شرایطی که برایش مقرر شده است در اختیار پیامبر و جانشینان پیامبر قرار دهند.

تاریخ تحولات خمس در میان شیعیان

خمس در زمان پیامبر در اختیار او قرار می گرفت البته در آن زمان خمس موردش فقط غنایم به دست آمده از

جنگ بود. بعد از آن غنایم جنگی در اختیار حکام قرار داده می شد و از زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام، قلمرو چیزهایی که خمس به آن ها تعلق می گیرد با تفسیر جدید از غنیمت که شامل هر نوع منفعت می شد، بر اساس این تفسیر مازاد بر هزینه سال افراد مشمول خمس شد و تا آن جا که امکان داشت در اختیار امامان معصوم قرار داده می شد. این وضعیت ادامه داشت تا زمان غیبت کبری امام علیه السلام و بعد از غیبت امام دوازدهم^(ع) شیعیان در بسیاری از مسائل دچار سرگردانی شدند از جمله در مورد نحوه مصرف خمس. در اصل، این سرگردانی ناشی از تفسیر آیه قرآن ناشی می شود که اصل تشریح خمس را بیان می کند. خداوند می فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (انفال، آیه ۴۱) بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آن ها) است.

بر اساس این آیه سهم خدا و رسول و ذوی القربی و سهم یتیمان، مساکین و ابن سبیل مشخص شده است؛ اما بعد از غیبت امام زمان، بین شیعیان در مورد مصرف خمس اختلاف به وجود آمد. به فرموده شیخ طوسی به نقل از شیخ مفید دیدگاه علمای شیعه به چهار دسته تقسیم می شدند:

۱. تا مدت زیادی بسیاری از فقهای شیعه عقیده داشتند سهم خدا و رسول و ذی القربی را باید به امام بدهند؛ چون امام غایب شده است می گفتند باید دهن شود تا بعد از ظهور امام زمان در اختیار او قرار گیرد.

۲. بعد از غیبت با توجه به بعضی روایات، بعضی قایل به تحلیل خمس به شیعیان شده اند. نظریه سوم پرداخت خمس به اعقاب پیامبر و جدا کردن سهم خدا و رسول و ذی القربی و نگهداری آن نسل اندر نسل (تهذیب الاحکام، جلد ۴، ص ۱۴۷-۱۴۸).

۳. این اختلافات تا قرن دهم ادامه داشت و از آن زمان کم کم دیدگاه ها به این سمت کشیده شد که سهم خدا و رسول و ذی القربی را در کارهایی که رضایت

۲ از ابواب قسمت الخمس) و «منها مرسله احمد بن محمد عن بعض اصحابنا (حدیث ۹ از باب ۱ از ابواب قسمت الخمس) وانت تری ان هذه الروایات كلها مراسیل، فلا یعمد علیها»

همان طور که در متن منقول از کتاب الخمس پیدا است، حضرت آیت الله محقق کابلی روایاتی که مورد استناد قول مشهور قرار گرفته است را به دلیل ضعف سندشان از ابتدا رد کرده است، براساس قاعده رجالی است که اگر روایتی از نظر سند مشکل داشته باشد، نوبت به مرحله دلالتی نمی‌رسد به خصوص وقتی در تعارض با روایاتی قرار گیرند که از نظر سند قوی باشد. البته روایات مرسل به عنوان مؤید می‌تواند مورد استناد قرار گیرد؛ اما در مقابل روایت صحیح تاب مقاومت ندارند. اگرچه حضرت آیت الله محقق اصلاً وارد روایات که مشهور به آن استدلال کرده‌اند، نشده است؛ اما به خاطر که بحث یک طرفه نشود، بخش‌های مورد استناد روایات قول مشهور را می‌آورم:

(الف) روایت حماد بن عیسی که از امام موسی بن جعفر روایت کرده است و در بخشی از آن آمده است:

«ویقسم بینهم الخمس علی ستة أسهم سهم لله و سهم لرسوله و سهم لذی القربی و سهم للیتامی و سهم للمساکن و سهم لابناء السبیل فسهم الله و سهم رسول الله لاولی الامر من بعد رسول الله وراثه وله ثلاثة اسم سمان وراثه و سهم مقسوم له من الله وله نص الخمس کملا و نصف الخمس الباقی بین ابیته، فسهم لیتامهم و سهم لمساکنهم و سهم لابناء سبیلهم.» (حدیث هشتم باب یک از ابواب قسمة خمس) خمس به شش سهم تقسیم می‌شود: سهم خدا، پیامبر، نزدیکان پیامبر یتامی، نیازمندان و در راه درماندگان سهم خدا و پیامبر به وی امر و امام حاضر بعد از پیامبر به عنوان ارث تعلق می‌گیرد. این دو سهم به اضافه سهم ذوی قربی که ملک خود امام است، حق امام است پس نصف خمس از آن امام است و نصف دیگر سهم یتیمان، فقراء و در راه ماندگان اهل بیت پیامبر است.

روایت دیگر روایت دوم از ابواب قسمة خمس روایت عبدالله بن بکیر است که امام در آیه خمس می‌فرماید:

امام در آن است، مصرف شود و سه سهم دیگر را به فقرا و مساکن و ابن سبیل بنی هاشم بدهند. در دو سه قرن اخیر این دیدگاه مطرح شد که سه سهم به مجتهدان که نایب عام امام زمان است، داده شود و سه سهم دیگر به سه طایفه بنی هاشم داده شود و این موضوع در نزد مشهور فقهای شیعه متأخر به رویه مسلم تبدیل شده است. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۲۵-۷۵) و براساس آن عمل می‌کنند؛ اما در چند دهه اخیر فقهای برخلاف این شهرت، فتوی داده‌اند؛ از جمله امام خمینی (کتاب البیع، ج ۲: ۴۸۹)، آیت الله منتظری (کتاب الخمس: ۲۹۲۶۸)، آیت الله هاشمی شاهرودی (بحوث فی الفقه - کتاب الخمس، ج ۲: ۳۸۶) آیت الله محقق کابلی (المباحث الفقهیه - کتاب الخمس: ۳۸۴، ۳۷۷) اما از بین این بزرگواران تنها آیت الله محقق کابلی علاوه بر نظر، در عمل نیز نظریه‌اش را پیاده کرد. و آن این که خمس همه‌اش مال منصب امامت است و او اختیار دارد در هر جایی که مصلحت ببیند، مصرف کند و آیه قرآن موارد مصرف را بیان کرده نه این که سه سهم ملک بنی هاشم باشد. حضرت آیت الله محقق کابلی طبق نظرش عملاً در دفاترش همه خمس را دریافت و در موارد لازم مصرف می‌کرد.

ما به طور خلاصه نظر آیت الله کابلی را با ادله ایشان بیان می‌کنیم، ایشان در ابتدا متن عروه‌ی سید یزدی را آورده است که متن عروه چنین است:

«فصل فی قسمت الخمس و مستحقیه: (مساله یک) یقسم الخمس ستة اسهم علی الاصح سهم لله سبحانه و سهم للنبی و سهم للامام (ع) و هذه الثلاثة الان لصاحب الزمان ارواحنا له افداء و ثلاثة للیتام و المساکن و ابناء السبیل.» حضرت آیت الله محقق این نظر را به طور خلاصه دلایل قول مشهور ایشان ابتدا نصوص مورد استناد قول مشهور فقها را بر این که خمس نصفش مال سادات است، می‌آورد، به طور اجمال می‌فرماید:

«علی ماهو المشهور بین المتأخرین و استدلووا لذلك بعده من النصوص منها مرسله حماد الطویل.» (حدیث ۸ باب ۱ ابواب قسمت خمس) و «منها مرسله عبدالله بن بکیر عن احدهما علیهما السلام» (حدیث

سهم خدا و پیامبر متعلق به امام است و یتیمان، نیازمندان و در راه ماندگان از فرزندان پیامبرند. بنابراین، خمس از خانوادهٔ پیامبر خارج نمی‌شود. در حدیث نه باب یک از ابواب *قسمة الخمس* نیز آمده است که: نصف خمس مال یتیمان مساکن و در راه ماندگان از آل محمد است که زکات بر آنان حلال نیست و عوض زکات، خداوند خمس را مقرر کرده است. البته آیت‌الله محقق چون سند روایات را مرسل دیده است، اصلاً وارد دلالت روایات نشده است و گرنه از نظر دلالت نیز ادعای مورد نظر مشهور را نمی‌رساند؛ چون در روایت، تعبیر اهل بیت پیامبر دارد که منصرف به معصومین است. دلایلی نظری که خمس را مال منصب امامت می‌داند:

۱. اولین دلیلی که ایشان بر نظر خود می‌آورد استدلال به سیرهٔ پیامبر و امامان معصوم است. سیرهٔ عملی پیامبر و امامان یکی از منابع تشریح است. پیامبر هرگاه در جنگ غنیمت به دست می‌آورد، خوب‌های آن را خودش می‌گرفت و باقی غنایم را به پنج قسمت تقسیم می‌کرد: چهار سمت را به مجاهدین می‌داد و یک قسمت را خودش می‌گرفت و بین یتیمان، مساکن و در راه ماندگان تقسیم می‌کرد و امامان هم به مردم می‌گفتند که همهٔ خمس را به وکلای شان بدهند. پس سیرهٔ پیامبر و امامان چنین بوده است که خمس در اختیار آنان بوده است؛ لذا آیت‌الله کابلی اولین دلیل بر نظرش را سیرهٔ پیامبر و صحیححه ربعی را می‌آورد. (حدیث ۳ از ابواب ۱ *قسمت الخمس*). به نقل از امام صادق علیه السلام: پیامبر (ص) از غنایمی که به دستش می‌رسید، خوب‌های آن را می‌گرفت، بقیه را به ۵ سهم پیشه توزیع می‌کرد. چهار پنجم آن را میان مجاهدان تقسیم می‌کرد و یک پنجم آن را به پنج قسمت توزیع می‌کرد. سهم پروردگار را برای خود می‌گرفت سپس چهار پنجم باقی مانده را میان نزدیکان خود، یتیمان، نیازمندان و در راه ماندگان تسهیم می‌کرد و برای هر گروه سهمی اختصاص می‌داد و ائمه علیهم السلام نیز از همین سیره پیروی می‌کردند. حضرت آیت‌الله محقق کابلی در پایان استدلال به این دلیل می‌گوید شاید به خاطر همین صحیححه ربعی بوده است که ابن جنید قایل

شده است که مراد از ذوی القربی مطلق نزدیکان رسول خدا است و مراد از یتیمان، مساکن و در راه ماندگان، همهٔ مسلمین هستند و نه خصوص بنی هاشم.

۲. روایاتی که خمس را مال خدا می‌داند: دومین دلیل بر نظر منتخب روایاتی است که خمس را مال خدا می‌داند: دو روایت در این زمینه آورده است که یکی از آن‌ها صحیححه است حدیث ششم از ابواب *قسمة الخمس*: ابی نصر از امام رضا (ع) روایت می‌کند که بر او آیه خمس را قرائت کردم و امام فرمود: آنچه که مال خدا باشد، مال رسول خدا است و آنچه مال رسول خدا باشد مال ما است. سپس فرمود: خداوند رزق مؤمنان را به پنج بخش آسان گرداند، یکی از آن‌ها را برای پروردگارشان قرار داده و چهار بخش دیگر را به شکل حلال می‌خورند. حدیث دوم معتبره سکونی است که در حدیث شماره سه باب نه از ابواب وصیت آمده است: سکونی از امام جعفر صادق (ع) و او از پدرش تا به امام علی (ع) می‌رسد که می‌فرماید: وصیت کردن به خمس خداوند برای خودش به خمس راضی شد. ۳. روایاتی که خمس را مال منصب امامت می‌داند: در این زمینه روایات زیادی وجود دارد که حضرت آیت‌الله محقق کابلی (۵) ۸ روایت در کتاب «الخمس» خود آورده است و چهار تا از این روایات، از نظر سندی صحیححه هستند (روایات باب ۲، از ابواب *ما یجب فیه الخمس*، حدیث ۱۲، و باب ۸، از ابواب *ما یجب فیه الخمس*، حدیث ۲ و ۳، باب یک از ابواب *قسمت الخمس* حدیث ۵، و ۱۸، باب ۲ از ابواب *قسمت الخمس* حدیث ۱، باب ۸ از ابواب *ما یجب فیه الخمس* حدیث ۵ و ۸). ما دو حدیث صحیح را به عنوان نمونه می‌آوریم. صحیححه علی بن مهزیان: «قال لی ابوعلی بن راشد: قلت له: امرتنی بالقیام بامرک و أخذ بحقک فاعلمت موالیک بذلک، فقال لی بعضهم: وای شیء حق؟ فما ادری ما اجبیه؟ فقال: یجب علیهم الخمس، فقلت فی ای شیء؟ فقال فی امتعتهم و صنایعهم (ضیاعهم) قلت و التار علیہ و الصانع بیده؟ فقال: اذا امکنهم بعد مئوتهم» (حدیث ۳، باب ۸ از ابواب *ما یجب فیه الخمس*) ابوراشد وکیل امام هادی (ع) می‌گوید: به من فرمان دادید که به دستور شما قیام کنم و حق شما را

ج ۱۶: ۱۵) اگر ترس از مخالفت اتفاق فقها نبودی امکان داشت بگوییم ظاهر اخبار باب دلالت دارد که خمس همه اش مال امام است؛ اگرچه بر امام واجب است که زندگی اصناف سه گانه ذکر شده در آیه را تأمین کند؛ چون عیال امام به حساب می آید و امام اختیار دارد به هر کس خواست از خمس حلال کند.

۵. دلیل عقلی بر این که نصف خمس مال سادات نیست:

آخرین دلیلی که آیت الله محقق کابلی آورده است دلیل عقلی است و آن این که خمس یک پنجم ثروت جهان است که عبارت است از نفت، گاز، آهن، مس، طلا، نقره، فیروزه، اورانیوم، سود اموال تجارت و زمین های احیا شده و حاصل زاید از مؤونه سال. چگونه این ثروت عظیم ملک عده قلیلی باشد که فقرای بنی هاشم باشد. این اختصاص دادن ثروت عظیم با حکمت، سازگاری ندارد و مخالف مصلحت امت اسلام است؛ پس چاره نیست جز این که قائل شویم به این که خمس مال منصب امامت است. در هر جایی لازم باشد از جمله اصناف سه گانه مصرف کند. □

بنیاد اندیشه

تابس ۱۳۹۲

منابع

۱. قرآن کریم
۲. حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن (۱۴۲۴)، وسائل الشیعه، جلد نه کتاب الخمس، مؤسسه آل البیت، قمینی، (روح الله، البیع
۳. جمعی از محققین (۱۳۸۷)، خمس (چالش و راهکارها)، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم.
۴. طوسی، محمد، تهدیب الاحکام
۵. منتظری، حسین علی (۱۴۱۲)، کتاب الخمس، دار الفکر قم.
۶. محقق کابلی، قربان علی (۱۴۳۱)، المباحث الفقہیہ، کتاب الخمس، دار النشر الاسلام، قم.
۷. هاشمی، سید محمود (۱۴۰۹)، بحوث فی الفقہ، کتاب الخمس، مکتبه السید محمود الهاشمی.

بگیرم، پس دوستان شما را از فرمان آگاه کردم. گروهی از دوستان شما گفتند حق امام چیست؟ من نمی دانستم چه جوابی بدهم. فرمود: خمس بر آن ها واجب است گفتم در چه چیز؟ گفت در کالاها و وسائل شان، گفتم آن کالایی که تجارت می کنند و وسائل که در دست شان است؟ گفت آری بعد از این که خرج شان کشیده شود. از این حدیث معلوم می شود که همه خمس مال منصب امامت است. «صحیحہ محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیہ السلام فی قول الله عزوجل: (واعلموا انما غنمتم من شیء، فان لله خمسہ وللسولہ ولذی القربی) قال: هم قربت رسول الله والخمس للرسول ولنا» (باب ۱ از ابواب قسمت الخمس حدیث ۵). از امام جعفر صادق (ع) در مورد آیه خمس سوال کردم فرمود: ذی القربی نزدیکان رسول خدا است و خمس مال خدا و رسول خدا و ما هست.

۴. روایاتی که در آن امام خمس را برای شیعیان تحلیل کرده است:

چهارمین دلیل که آیت الله محقق کابلی آورده است، روایاتی است که خمس را بنا بر مصلحتی برای شیعیان مباح کرده است. در کتاب وسائل الشیعه حدود ۲۱ روایت آورده است. آن چه از این مطلب استفاده می شود آن است که خمس همه مال منصب امامت است. اگر نصف خمس مال سادات می بود، امام چنین حقی نداشت که مال دیگران را مباح کند. برای شیعیان ولو که غنی باشند. در اخیر بحث تحلیل خمس به عنوان مؤید آیه الفیء را آورده است که از انفال است و در آن جا سهام شش گانه ذکر شده است و همه قبول دارند که مال منصب امامت است و در اخیر بحث نظر صاحب جواهر را آورده است که می فرماید: «بل لولا وحشه الانفراد عن ظاهر اتفاق الاصحاب لامکن دعوی ظهور الاخبار فی ان الخمس جمیعہ للامام علیہ السلام، وان کان یجب علیہ الاتفاق منه علی الاصناف الثلاثه الذین هم عیالہ، ولذا لوزاد کان له علیہ السلام ولونقص کان الائمام علیہ من نصیبہ وحلومنه من ارادو» (جواهر الکلام